

زنان در کشاکش نبرد:

حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی

آذرتاش آذرنوش*، زهره دهقان‌پور**

چکیده: بررسی علل، نحوه و میزان تأثیرگذاری حضور زنان در جنگ‌های صدر اسلام هدف اصلی مقاله‌ی حاضر است. حضور و مشارکت زنان در جنگ‌های صدر اسلام از واقعیت‌های مسلم و غیرقابل انکار تاریخ اسلام است. هر چند اسلام با حضور زنان در جنگ‌ها به عنوان رزمنده مخالف است، اما در مواردی که این اقدام به منظور دفاع از جان خویش، یا دفاع از وجود مبارک پیامبر (ص) و ... انجام گرفته، مخالفتی ابراز نشده است و پیامبر اسلام (ص) خانواده و همسران خود را نیز در غزه‌ها مشارکت می‌داد. حضور و فعالیت زنان در جنگ‌ها در دوره‌ی مهم و تأثیرگذار صدر اسلام و درک این مطلب که علل حضور و میزان تأثیرگذاری آنان در میدان جنگ تا چه حد بوده، از اهمیتی ویژه برخوردار است. بنابراین در این پژوهش سعی شد تا علل مشارکت زنان در جنگ‌ها، فعالیت‌های متعدد آنان در پشت جبهه، همچنین فعالیت مستقیم در خط مقدم جنگ و به عنوان رزمنده و میزان تأثیرگذاری آنان در صحنه‌های نبرد تجزیه و تحلیل شود. روش تحقیق در این مقاله، روش تاریخی با رویکردی اجتماعی، از نوع تحلیل و مبتنی بر بهره‌گیری از اطلاعات منابع، مقایسه‌ی آن‌ها با یکدیگر، تحلیل و نقد متون می‌باشد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مشارکت زنان در جنگ‌های صدر اسلام با اهداف و انگیزه‌های مختلف انجام گرفته و زنان به عنوان عنصری فعال و مؤثر و به منظور کمک‌رسانی به مردان جنگجو، هم در پشت جبهه‌ها حضور داشتند و هم به گاه نیاز، در نبرد با سپاه دشمن حاضر می‌شدند و در بسیاری از موارد، جنگ را به نفع سپاه خویش تغییر می‌دادند.

واژگان کلیدی: زن و جنگ، نقش زنان، جنگ‌ها، پشت جبهه، عصر نبوت، دوره‌ی خلفای راشدین، دوره‌ی اموی.

مقدمه

شرکت در جهاد از وظایفی است که خداوند با توجه به شرایط روحی و جسمی زنان، بر آنان واجب ندانسته است (و لا یكلف الله نفسا الا وسعها... بقره (۲) ۲۸۶) و مادامی که مردان با قدرت روحی و جسمی، آمادگی حضور در جهاد دارند، این امر از عهده‌ی زنان ساقط است. در این نوشتار به بررسی نقش و حضور زنان در جنگ‌ها، در سه دوره‌ی عصر نبوت، خلفای راشدین و در نهایت، دوره‌ی امویان خواهیم پرداخت. همانطور که در ادامه خواهیم دید، زنان در صدراسلام نیز معمولاً به منظور انجام فعالیت‌هایی چون سقایی، طبّاحی، پرستاری و به طور کلی انجام کارهای خدماتی در پشت جبهه حضور می‌یافتند، حال آن‌که، حضور زنان در مواقع ضرورت و به منظور حفظ جان خویش، یا حفظ جان پیامبر و...، به عنوان جنگ‌جو و رزمنده نیز مشهود است.

زنان مسلمان در صدراسلام و عصر نبوت، نه تنها در هجرت (آل عمران (۳) ۱۹۵) مسلمانان به حبشه و مدینه حضور داشتند، بلکه به گاه بیعت مردان با پیامبر، آنان نیز بیعت کردند (ممتحنه (۶۰) ۱۲).

اینک ما آرزومندیم که بتوانیم این نکته را آشکار سازیم که بسیاری از زنان نه تنها وظایف مادری و همسری خود را به خوبی انجام می‌دادند، بلکه در فعالیت‌های سیاسی و نظامی هم شرکت مؤثر داشته و در عین حال به عنوان زنانی عالم و محدث نیز مطرح شده‌اند. چه‌بسا، آنان بسیاری از همین احادیث و روایات را نیز در جریان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خویش و از جمله حضور در جهاد دریافت و منتقل کرده‌اند. منابع مختلف اسلامی اعم از تاریخی، رجال، انساب، سیر و... مملو از نام چنین بانوانی است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۵۰۲/۲ به بعد؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۴۸/۱۲ به بعد؛ سیوطی، ۱۴۱۰: ۱۲۷ به بعد؛ تستری، ۱۴۱۹: ۱۸۱/۱۲ به بعد (باب نساء)؛ سید بروجردی، ۱۳۹۹: صفحات متعدد؛ محقق حلی، ۱۳۶۴: صفحات متعدد).

پیشه‌ی سقایی در صدراسلام به عنوان فعالیتی مهم در داخل خانواده و میادین جنگ و نبرد مرسوم بود. آب‌رسانی به رزمندگان، طبّاحی و مداوی زخمیان توسط بانوان در جنگ‌های این دوره از واقعیت‌های مسلم تاریخ اسلام است. چنانچه پاره‌ای از زنان مانند ام‌زید اشجعیه، علت حضور خود را در میدان نبرد به همراه ۶ زن دیگر این چنین بیان می‌کند: «خرجنا و معنا دواء نداوی به الجرحی و تتناول السهم و نسقی»^۱ (مقریزی،

^۱ در حالی که با خود دارو برای مداوی مجروحان به همراه داشتیم، و به منظور جمع‌آوری تیرها و آب‌رسانی به رزمندگان خارج شدیم.

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۷۷

۱۴۲۰: ۳۹۶/۸). ربیع بنت معوذ نیز می‌گوید: «ما با رسول خدا به جنگ‌ها می‌رفتیم، سربازان را آب داده، خدمت می‌کردیم و شهدا و مجروحان را به مدینه برمی‌گرداندیم» (العینی، بی‌تا: ۲۱۰/۳۳۰).

پرستاری نیز یکی از مشاغل زنان در صدراسلام بود. زنان این کار را به منظور رضای خدا و از سر وظیفه و به منظور مشارکت با مردان در امر جهاد انجام می‌دادند. ام‌سنان اسلمیه، وقتی که داوطلب شرکت در جنگ خیبر شد، نزد محمد (ص) رفت و گفت: من برای مداوای مجروحان شرکت می‌کنم و آن حضرت اجازه فرمود (مقریزی، ۱۴۲۰: ۴۱۲/۸). لیلا غفاریه نیز از زنانی بود که به منظور مداوای مجروحان و خدمت به آنان، با پیامبر به جبهه رفت (همو: ۳۰۷/۸). ام‌عطیه انصاری خود می‌گوید: «با پیامبر در ۷ غزوه برای آشپزی، مداوای مجروحان و سقایت شرکت کردم» (سرخسی، ۱۹۶۰: ۲۰۱/۱).

از نکات جالب توجه در مورد حضور زنان در جنگ‌های عصر نبوت این‌که، زنان در این دوره، صرفاً در غزوه‌ها و جنگ‌هایی شرکت می‌کردند که پیامبر(ص) حضور مستقیم داشت، از این رو، همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، گزارشی از حضور زنان در سربیه‌ها و سایر جنگ‌ها در عصر نبوت وجود ندارد. همچنین حضور زنان در جنگ‌ها به صورت داوطلبانه بوده، زیرا پیامبر برای تشکیل سپاه به دنبال مردان می‌رفت.

با بعثت پیامبراسلام و دعوت سری و پس از آن دعوت علنی آن حضرت، زنان دوشادوش مردان در پذیرش، گسترش و تبلیغ این دین آسمانی شرکت کردند. خدیجه، همسر پیامبر، نخستین کسی بود که دعوت وی را لیبیک گفت و تمام اموال و دارایی خویش را نیز در این راه صرف نمود. سمیه همسر یاسر و مادر عمار، نخستین فردی بود که در راه اسلام، در زیر شکنجه‌های کفار مکه جان سپرد....

در هجرت مسلمانان به حبشه نیز حدود ۲۰ زن با همسران‌شان همراه شدند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۳۲۱/۱ به بعد؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۳۶/۱؛ همو، ۱۴۱۲: ۱۸۴۰/۴؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۶۹/۸ به بعد؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۱۱۵/۶). از جمله‌ی این افراد می‌توان از ام‌سلمه نام برد که به همراه همسرش، عبدالله بن هلال بن عبدالله (ابن‌هشام، بی‌تا: ۳۳۴/۱؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۹۳۹/۴؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۶۹/۸) حضور یافت. رقیه، دختر پیامبر(ص) نیز به همراه همسرش، عثمان بن عفان به حبشه مهاجرت کرد و عبدالله بن عثمان در آن‌جا متولد گردید (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۸۴۰/۴)، همچنین خوله بنت الاسوء بن خدامه (همو: ۱۸۳۰/۴)، اسماء بنت سلامه با همسرش، عیاش بن ربیع (همو: ۱۷۸۳/۴؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۲/۸)، زینب بنت جحش با همسرش، عیاش بن ربیع (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۷۸۳/۴؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۲/۸) و خواهران زینب، حمه و ام‌حبیبه (ابن‌هشام، بی‌تا: ۴۷۲/۱؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۹۳۹/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۱۱۵/۶)، اسماء بنت

عُمیس به همراه همسرش، جعفر بن ابی طالب (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۵/۴ - ۱۷۸۴: ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۱۴/۶: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۵/۸) و اُمیمه، همسر خالد بن سعید بن عاص، که وی نیز سعید بن خالد را در حبشه به دنیا آورد (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۶/۶: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۳۱/۸: ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۷۹۱/۴، ۱۷۹۳، ۱۷۹۹، ۱۸۰۹)، از جمله مهاجران به حبشه بودند. در بین اولین مهاجران به مدینه نیز زنان بسیاری حضور داشتند (ابن هشام، بی تا: ۴۶۸/۱ به بعد).

آن گاه که اهل مدینه به سال سیزده بعثت برای بیعت عقبه دوم با پیامبر ملاقات کردند، در کنار ۷۳ مرد حاضر در این بیعت، دو زن به نام‌های نسیمه (ام عماره)، دختر کعب و اسماء (ام منیع)، دختر عمرو بن عدی نیز حضور داشتند (ابن هشام، بی تا: ۴۴۱/۱، ۴۶۶، ۴۶۷: بلاذری، ۱۹۸۸: ۹۸: مقریزی، ۱۴۲۰: ۵۳/۱: ابن سید الناس، ۱۴۱۲: ۱۹۰/۱: ابن عبدالبر، بی تا: ۷۴: ابن ماکولا، بی تا: ۱۶۱/۱: احمد حنبل، بی تا: ۴۶۱/۳: ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۱۹/۳). اهمیت ذکر نام افراد مذکور بدین جهت است، که همان طور که در ادامه‌ی بحث خواهیم دید، بسیاری از زنانی که بعدتر در غزوات و جنگ‌ها، پیامبر را همراهی کردند، از همان ابتدای دعوت در سایر صحنه‌ها نیز حضور فعال داشتند.

حضور زنان در صحنه‌های نبرد

در مدینه‌ی قبل از اسلام، رسم بر آن بود که در جنگ‌هایی که در داخل این شهر انجام می‌گرفت، مردان جنگ‌جو در داخل کوچه‌ها می‌جنگیدند و زنان و کودکان در بالای پشت بام‌ها، با تشویق و تحریک همسران و فرزندان خویش از یک سو و با پرتاب سنگ و تضعیف روحیه‌ی دشمن از سوی دیگر مشارکت می‌کردند (واقعی، ۱۴۰۹: ۱۰/۱ - ۲۰۹: طبری، ۱۳۸۷: ۵۰۲/۲). این سنت آن‌چنان که طبری اظهار می‌دارد، تا دوره‌ی اموی هم‌چنان برقرار بود (نک: ۱۳۸۷: ۳۱۱/۵).

حضور زنان در جنگ‌ها به عنوان رزمنده و سرباز از نظر رسول خدا و دین گرامی او ممنوع بوده و پیام صریح رسول خدا در غزوات و جنگ‌ها دائماً برای سربازان این بود که به زنان و کودکان آسیبی نرسانید (ابن هشام، بی تا: ۲۷۴/۲، ۴۵۸: قس: علاسوند، ۱۳۸۵: ۷۰).

از توصیه‌های علی (ع) در صفین چنین است: «هرگز به جنگ آغاز مکنید، مگر آن که آن‌ها اول شروع کنند، زیرا شما برحق هستید و حجت و برهان دارید و اگر از جنگ و کشتن آن‌ها خودداری کنید، برای شما یک حجت دیگر خواهد بود... هیچ زنی را آزرده مسازید، حتی اگر به شما دشنام دهد و عرض و

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۷۹

ناموس شما را نکوهش کند و بی‌خرد بداند و نیاکان شما را بد بخواند، زیرا زنان ضعیف هستند» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۸۲/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳۳۵/۲؛ همچنین در رابطه با توصیه‌ی ابوبکر به جنگجویان در فتح شام‌نک: ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲۵۷/۳، ۳۹۳؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۶۲۹/۲؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۵۰۵/۱؛ ۵۱۸). ایشان هم‌چنین آن‌گاه که خبر ظلمی که به زنی مسلمان و زنی یهودی رفته بود، شنید، به اهل کوفه چنین نوشت: «... به من خبر رسیده است گروهی به خانه‌ی زنی مسلمان و زن غیرمسلمانی که در پناه مسلمانان بوده، رفته‌اند و خلخال از پا و گردن‌بند از گردنش ربوده‌اند و با غنیمت بسیار برگشته‌اند و هیچ مردی از شما سخنی نگفته است و حال آن‌که اگر کسی از اندوه این حادثه بمیرد، نه تنها از نظر من قابل سرزنش نیست، بلکه سزوار است...» (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۲؛ نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱: خطبه ۲۷).

زنان مسلمان و افراد ناتوان حاضر در جنگ‌ها نیز، در جائی دور از خط‌مقدم جبهه قرار می‌گرفتند، تا از آسیب در امان باشند، چنان‌چه در غزوه‌ی اُحد، پیامبر(ص)، یمان، پدر حذیفه و ثابت‌بن‌قیس را به علت پیری و ناتوانی با زنان در جایی بلند قرار داد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۶۲/۲).

از کسانی هم که در جنگ حضور نیافته بودند، مراقبت کامل به عمل می‌آمد. در جنگ تبوک گرچه زنان و کودکان برای وداع با پیامبر تا ثنیه‌الوداع رفتند، اما در نهایت به مدینه بازگشتند و پیامبر(ص)، علی (ع) را در مدینه به جانشینی خود و نگهبانی از آن‌ها گمارد (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۰/۲-۵۱۹؛ یعقوبی، بی‌تا: ۸/۲-۶۷). در همین غزوه بود که منافقین، یاهو سرایی کردند که پیامبر، بودن علی را بر خود سنگین‌داشته و از این رو او را همراه نبرده است. اما پیامبر ضمن تکذیب این موضوع به علی(ع) فرمود: «من تو را برای رسیدگی به کارهای خود گمارده‌ام... آیا خشنود نیستی که مقام تو نسبت به من، به منزله‌ی مقام هارون به موسی باشد، جز این‌که پس از من پیامبری نیست (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۰/۲-۵۱۹؛ مقدسی، بی‌تا: ۲۴۰/۴؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۶۳۱/۲؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۷/۳).

پیامبر قبل از رفتن به غزوه‌ها، زنان و کودکان را در قلعه‌های حسان‌بن‌ثابت که از استوارترین برج‌های مدینه بود، قرار می‌داد و در غزوه‌ی اُحد نیز چنین کرد (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۲۸/۲؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۳۴/۸) و حسیل‌بن‌جابر و ثابت‌بن‌وقش را در قلعه‌ها برای نگهبانی از زنان و کودکان معین فرمود (طبری، ۱۳۸۷: ۵۳۰/۲). در غزوه‌ی خندق نیز، حسان‌بن‌ثابت که از جنگ و خونریزی هراس داشت، در قلعه‌ها ماند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۲۸/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵۷۰/۲).

اهمیت حفاظت از زنان بی‌پناه و مردان ناتوان در جنگ‌ها بدان حد بود که برخی از صحابه بدین‌منظور از فیض حضور در غزه‌ها محروم می‌شدند. جابر بن عبدالله بن عمرو انصاری، به منظور مراقبت از پدر پیر و هفت خواهر خویش در جنگ احد شرکت نکرد (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۲۸/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵۳۴/۲).

در زمان ابوبکر، آنگاه که مسلمانان برای فتح عراق آماده می‌شدند، زنان و افراد ناتوان را به سوی مدینه فرستادند و عمیر بن سعد انصاری سالار آنها بود (طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۵/۳).

به هنگام فتح نهبوند در دوره‌ی عمر بن خطاب، به پیشنهاد علی (ع)، اهل بصره به سه گروه تقسیم شدند. یک گروه در محل به منظور حفاظت از زنان و فرزندان باقی ماندند، گروه دیگر برای کمک به برادران خود به کوفه شتافتند و یک گروه نیز در مقابل دشمنی که با عهد و مسالمت آرام شده بود، قرار گرفتند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۸/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۵-۱۳۴).

نگرانی از اسارت زنان در جنگ‌ها نیز مسئله‌ای جدی بود. از این رو گزارش‌هایی از رایزنی‌های سران قبایل و سپاه مشرکان به منظور قتل زنان خویش قبل از جنگ‌ها و از جمله قبل از غزه‌ی بنی قریظه وجود دارد (واقدی، ۱۴۰۹: ۵۰۲/۲؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۱۲: ۱۰۱/۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۴۶/۱؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۶/۲-۲۳۵) این مسئله آن‌چنان نگران‌کننده بود که حتی در مواردی، لشکر رقیب حتی به اسلام آوردن و تسلیم شدن می‌اندیشید، تا از خفت اسارت زنان خویش رهایی یابد و آن‌چنان که منابع گزارش داده‌اند، در مواردی نیز به این کار اقدام می‌کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۵۸۴/۲، ۲۶۱/۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳۴۹/۲). این نگرانی هم‌چنان تا پایان دوره‌ی مورد بحث نیز وجود داشت (طبری، ۱۳۸۷: ۶۰۲/۶). در برخی موارد نیز آنان ترجیح می‌دادند که زنان خود را پیشاپیش به میدان جنگ بفرستند تا همه در نبرد به یک‌باره کشته شوند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۳/۵)، زیرا شکست در جنگ مساوی بود با اسارت زنان و کودکان و تقسیم اموال و دارایی‌های آنان به عنوان غنیمت، چنان‌چه در بنی‌قریظه، مسلمانان، زنان و فرزندان یهودیان را تقسیم کردند و ریحانه، دختر عمرو بن جنبه، از طایفه‌ی عمرو بن قریظه، سهم پیامبر شد (واقدی، ۱۴۰۹: ۵۲۰/۲؛ یعقوبی، بی‌تا: ۵۲-۵۳؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۵۸/۲). وی بعد از مدتی مسلمان شد و تا هنگام وفات نزد پیامبر ماند (طبری، ۱۳۸۷: ۵۹۲/۲). در غزه‌ی حنین نیز شش هزار زن و فرزند از مردم هوازن به اسارت درآمدند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۴۸۸/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۸۶/۳؛ ابن‌مسکویه، ۱۳۶۹: ۲۶۴).

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۸۱

آن‌گونه که دینوری اظهار می‌دارد، علت بر سر نیزه کردن قرآن‌ها در صفین نیز نگرانی شامیان از اسارت زنان خویش بود. آنان گفتند: «اگر ادامه دهیم رومیان به زن و فرزند شامیان حمله خواهند کرد و دهقانان ایرانی به زن و فرزند عراقی‌ها، در نتیجه تصمیم گرفتند که قرآن‌ها را بر نیزه کنند» (۱۳۶۸: ۱۸۹).

گذشته از اهمیت روانی حضور زنان در جنگ‌ها، به ویژه در سپاه مشرکان، به منظور تحریک سربازان و جنگ‌جویان برای جنگ‌آوری و دلیری بیش‌تر (ابن‌هشام، بی‌تا: ۴۳۸/۲؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۳-۸/۸۸۷، ۲۷۲/۱، ۲۲۳-۴؛ ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹: ۲۶۴/۱؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۴۶۳/۲، ۵۰۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲۶۱/۲، ۱۴۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ۷۱/۳، ۳۱۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۹/۲)، نباید حضور فیزیکی آن‌ها در جبهه‌های جنگ و پشت جبهه‌ها را دست کم گرفت.

از حضور زنان در جنگ‌ها، گاه نیز به عنوان ترفندی برای فریب یا تحریک دشمن استفاده می‌شد. در غزوه‌ی احد، آن‌گاه که مشرکان شکست را نزدیک دیدند، «زنان پوشش ساق‌های خویش را بالا کشیدند و خلخال‌هایشان را نمایان ساختند و تیراندازان همی گفتند: غنیمت، غنیمت...» (طبری، ۱۳۷۵: ۱۰۲۰/۳) و جنگ‌جویان به طمع غنیمت، جنگ را رها کرده، شکست خوردند و هفتاد نفر از آن‌ها کشته شدند (طبری، ۱۳۸۷: ۵۰۹/۲).

در دوران ابوبکر و آن هنگام که مسیلمه‌ی کذاب ادعای پیامبری کرد، لشکری به فرماندهی خالد بن ولید به جنگ با مسیلمه و قبیله‌ی وی (یمامه) رفت. مجاعه یکی از افراد یمامه، آن‌گاه که شکست را نزدیک دید، نزد زنان در قلعه‌ها رفت و به آنان گفت تا جامه‌ی زرین بر تن کنند و بر بالای دژها بایستند و موهای خویش را افشان‌سازند، تا دشمن تصور کند که هنوز جنگ‌جویانی در قلعه حضور دارند (یعقوبی، بی‌تا: ۳۰/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۹۶/۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳۶۵/۲؛ ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹: ۲۸۷/۱)، خالد نیز که از این حیله فریب خورده بود، با آن‌ها مصالحه کرد، حال آنکه در قلعه‌ها جز زن و فرزند و پیران و درماندگان قوم کسی نبود.

استفاده از چنین شیوه‌هایی به منظور فریب دشمن، ظاهراً در آن زمان در سایر نقاط جهان نیز مرسوم بوده، چنانکه به هنگام لشکرکشی اعراب به مصر و تلاش آن‌ها برای فتح اسکندریه، مقوقس با دادن دستوری مشابه به زنان داخل برج‌ها، تلاش کرد تا مسلمانان را به هراس بیندازد (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۱۸).

در جریان فتح بصره نیز زنان پشت سر جنگ‌جویان حضور داشتند. آنان هنگامی که مردان را بد حال یافتند، به شور و مشورت و چاره‌جویی پرداختند و تصمیم گرفتند که به میدان بروند و تا رسیدن نیرو، دشمن را مرعوب سازند. زنان لچک و سربندهای خویش را باز کرده، بر نیزه برافراشته و به شکل پرچم

درآوردند. در این هنگام دشمن به تصور اینکه نیروی جنگی تازه نفس رسیده، فرار کرد و مسلمانان پیروز شدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴۸۸/۲). چنین اقدامی به هنگام فتح میشان و ابله در زمان عمر بن خطاب و به پیشنهاد ارده، دختر حارث بن کله و با همراهی سایر زنان عرب نیز چاره‌ساز شد و نتیجه‌ی جنگ را به نفع مسلمانان تغییر داد (طبری، ۱۳۸۷: ۵۹۶/۳).

هر چند اسلام با حضور زنان در میدان‌های جنگ به عنوان رزمنده و نیروی جنگی مخالف است، اما گاهی مشاهده می‌کنیم که آنان در جنگ‌ها، غزوات و لشکرکشی‌ها به عنوان نیروی جنگی و رزمنده حاضر می‌شدند. البته فعالیت و حضور زنان در سپاه اسلام به این شکل را باید، در اکثر موارد محدود به شرایط خاص و استثنائی دانست. از جمله‌ی این موارد می‌توان به مبارزه و شمشیر زنی نسبیبه، در احد، در کنار مردان و به منظور دفاع از جان پیامبر (ص) اشاره کرد.

در رابطه با حضور یا عدم حضور زنان کفار در جنگ‌ها به عنوان نیروی نظامی باید گفت، هر چند واقعی به نقل از نسبیبه می‌گوید که هیچ یک از زن‌های قریش را ندیده که در احد تیری بیندازد یا سنگی بزند، بلکه همراه آن‌ها دف و دایره بود که می‌زدند و یاد کشتگان بدر را زنده می‌داشتند و هر وقت مردی از جنگ می‌گریخت یا سستی می‌کرد، یکی از آن‌ها سرمه‌دانی و میلی به او می‌داد و می‌گفت: تو زن هستی ... (واقعی، ۱۴۰۹: ۲۷۲/۱)، اما واقعی در جای دیگر، از ابودجانه روایت می‌کند که «در روز احد زنی از دشمن را دیدم که به مردم حمله می‌کرد و سخت بر آن‌ها هجوم می‌برد، من اول تصور کردم که مرد است... اما بعد او را شناختم. او عمره، دختر حارث بود» (همان: ۲۵۹/۱).

در جنگ خندق نیز شاهد صحنه‌ای از دل‌آوری‌های زنان لشکر اسلام هستیم. صفیه، دختر عبدالمطلب، که در قلعه‌ی حسان بن ثابت بود، از جانب مردی یهودی که در اطراف قلعه می‌گردید، بر خویش و ساکنان قلعه احساس خطر کرد. در آن هنگام پیامبر و مسلمانان با دشمن درگیر بودند و صفیه که از حمایت حسان بن ثابت ناامید شده بود، خود برخاست و چماقی برگرفت و یهودی را بزد تا جان داد (ابن هشام، بی‌تا: ۲۲۸/۲؛ واقعی، ۱۴۰۹: ۲۲۸/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵۷۷/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۴/۸). مقریزی از ام‌عمار، ام‌سلیم، ام‌سلیط و ام‌الحارث به عنوان زنان جنگجو در حنین یاد می‌کند (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۴/۲).

با تمام این اوصاف، همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، در جنگ‌ها، غزوات و لشکرکشی‌ها، حضور زنان در هر دو سپاه اسلام و کفر بسیار مشهود است. اما باید توجه داشت که انگیزه‌ها، نحوه‌ی حضور و فعالیت‌های این زنان در دو سپاه، با توجه به عقاید و ارزش‌های حاکم بر آن دو متفاوت خواهد بود.

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۸۳

در جنگ بدر، زنان خواننده و نوازنده در طی مسیر، جنگجویان مکه را همراهی می‌کردند (واقعی، ۱۴۰۹: ۳۹/۱)، اما گزارشی مبنی بر حضور آن‌ها در این جنگ در دست نیست. در جنگ احد، بین قریش در مورد همراه بردن زنان به جنگ، اختلاف افتاد (همان: ۲۰۲/۱ به بعد)، اما در نهایت پس از گفتگو بین مردان و اظهار تمایل برخی از زنان، این امر به وقوع پیوست و ۱۴ تن از زنان قریش (برخی این تعداد را پانزده تن ذکر کرده‌اند: طبری، ۱۳۸۷: ۶/۲-۵۰۵) در جنگ حضور یافتند (واقعی، ۱۴۰۹: ۳۱/۱-۲۰۲). از جمله‌ی این افراد، باید از زنانی با اسامی هند بنت عتبه و همسر ابوسفیان، ام‌حکیم همسر عکرمه‌ابی‌جهل، فاطمه بنت ولید، برزه همسر صفوان بن امیه، ام‌عبدالله (رقیه)، ریطه همسر عمروبن عاص، سلافه، خناس و عمره نام برد (ابن هشام، بی‌تا: ۶۲/۲). مشرکان، زنان را از آن رو با خود همراه آورده بودند که جنگجویان بدر با وجود حضور آن‌ها به آسانی فرار نکنند (ابن هشام، بی‌تا: ۶۲/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۱/۲-۵۰؛ واقعی، ۱۴۰۹: ۱/۱-۲۰۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲/۱۴۹). زنان پشت صفوف مردان قرار گرفته و دف می‌زدند و ترانه می‌خواندند (ابن هشام، بی‌تا: ۸/۲-۶۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲/۴۹، ۱۵۳؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۲/۴۳۴؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲/۱۶؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۱۲: ۱۶/۲). آن‌ها در دامنه‌ی کوه احد قرار گرفته و با ایقاع دف شعرهایی می‌خواندند و خاطره‌ی کشتگان بدر را زنده می‌داشتند، که یک نمونه از آن‌ها به دست ما رسیده است:

«نحن بنات الطارق

نمشی علی النمارق

مشی القطا البوارق

والمسک فی المفارق

ان تقلبوا نعانق

و نفرش النمارق

او تدبروا نفارق»^۲ (واقعی، ۱۴۰۹: ۱/۲۲۵؛ خرگوشی، ۱۳۶۱: ۳۴۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۱/۳۱۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲/۵۱۲؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲/۳۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲/۱۵۳). بعد از احد، هند دختر عتبه و زنانی که همراه وی بودند، به مثله‌کردن مسلمانان مقتول پرداخته و گوش و بینی آن‌ها را بریدند و هند از گوش و

^۲. ما دختران طارق که بر فرش خرامیده‌ایم، خرامیدن کبک، (اگر به دشمن رو کنید) فرق سر را با مشک معطر ساخته، شما را در آغوش گرفته و فرش قرمز می‌گسترانیم و (اگر بر دشمن پشت کنید) از شما، جدا می‌شویم جدا شدن کسی که فریفته نباشد).

بینی آن‌ها خلخال و گردن‌بند ساخت (ابن‌هشام، بی‌تا: ۹۱/۲؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۲۷۴/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵۰۵-۶/۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۵۲/۲؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۱۲: ۲۷/۲).

همان‌طور که گفته شد، پیامبر هر گاه برای رویارویی با دشمن از مدینه بیرون می‌رفت، همسران و دیگر بانوان خاندان خود را در برج‌های حسان بن ثابت که از قلعه‌های استوار مدینه بود جای می‌داد. اما عده‌ای را برای کمک‌رسانی به زخمیان، آب‌رسانی، طبّاحی و کارهای پشت‌جبهه همراه می‌برد. این افراد، خانواده و همسران پیامبر (ص) و زنان مهاجر و انصار را شامل می‌شدند. عایشه می‌گوید: «وقتی پیامبر به سفر می‌رفت میان زنان قرعه می‌زد و به نام هر که بود، او را همراه می‌برد و چون غزای بنی‌مصطلق پیش آمد، قرعه به نام من افتاد و پیامبر مرا همراه برد (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۹۷/۲؛ طبری، ۱۳۸۵: ۶۱۱/۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۹۵/۲).

در سپاه مسلمانان در غزوه‌ی احد نیز، ۱۴ زن حضور داشتند که از جمله آن‌ها می‌توان به فاطمه‌ی زهرا (س)، عایشه، ام‌سلیم، حمنه و ام‌ایمن^۳ و نسبیبه اشاره کرد، که به جنگ‌جویان آب و غذا می‌دادند و مجروحین را مداوا می‌کردند (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۵۳/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۷۰/۶؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۸۰/۸، ۱۹۱، ۳۰۳، ۳۱۲).

هر چند حضور زنان در جنگ‌ها، در اکثر موارد، به منظور انجام کارهای پشت‌جبهه و غیر از جنگ بود، اما در بعضی مواقع آنان، بسیار تأثیرگذارتر از مردان ظاهر می‌شدند و سرنوشت جنگ را به نفع سپاه خویش تغییر می‌دادند، چنانچه در غزوه‌ی احد، پس از کشته شدن پرچم‌دار و افتادن پرچم‌مشرکان بر روی زمین، زنی عمره^۴ نام، پرچم قریش را از زمین بلند کرد و سپاه فراری و پراکنده را به دور آن جمع کرد و از شکست سپاه خویش جلوگیری کرد (ابن‌هشام، بی‌تا: ۷۸/۲؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۱۴۸).

همچنین تأثیر روانی آن‌ها بر حضور برخی افراد که تمایلی به شرکت در جنگ و جهاد نداشتند یا در حال فرار از میدان جنگ بودند غیرقابل انکار است (واقدی، ۱۴۰۹: ۴/۱-۳۲۳؛ قمی، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۱). از نکات جالب توجه در جنگ‌ها، حضور خردسالان و کودکان و رقابت آن‌ها با هم‌سالان برای شرکت در جنگ بود، چنانچه در غزوه‌ی احد، رافع بن خدیج و سمره بن جندب با رضایت پیامبر در این جنگ حضور

^۳. ام‌ایمن، برکه‌ی حبشی، همسر زیدین حارثه و مادر اسامه بن زید بود. وی در سفر تجاری ابوطالب و پیامبر به شام قبل از بعثت، کاروان آن‌ها را همراهی می‌کرد (صفدی، ۱۴۲۰: ۶۳/۱؛ مسعودی، بی‌تا: ۱۹۷).

^۴. این همان زنی است که در صفحات قبل از شمشیر زنی او در احد سخن گفته بودیم.

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۸۵

یافتند (طبری، ۱۳۸۷: ۶/۲-۵۰۵). این اقدام در سایر جنگ‌ها نیز انجام می‌شد و کودکان به فراخور توانایی خود با زنان در فعالیت‌های پشت جبهه مشارکت می‌کردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴۷۷/۲؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۵۳۳/۲؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۳۳۸/۱).

حضور زنان به عنوان نیروی جنگی از واقعیت‌های مسلم تاریخ اسلام است و این امر را گزارش‌های تاریخی به خوبی به اثبات می‌رسانند. از جمله این موارد می‌توان از نسبیّه نام برد که هر چند در احد ابتدا به منظور آب دادن به مجروحان و مداوای آن‌ها حضور یافت (واقدی، ۱۴۰۹: ۲۶۸/۱؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۹۸؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۹۴۷/۴؛ قمی، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۱؛ زرکلی، ۱۹۸۰: ۱۹/۸) اما آن‌گاه که متوجه شد که سپاه اسلام رو به شکست نهاده و جان پیامبر در خطر است، خود و دو پسر و همسرش شمشیر به دست گرفتند و شجاعانه از ایشان دفاع کردند (واقدی، ۱۹۸۹: ۲۶۹/۱؛ ابن هشام، بی‌تا: ۲/۲-۸۱؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۴۳۶/۲؛ قمی، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۱؛ ابن سیدالناس، ۱۴۱۲: ۲۲/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۳/۸). پیامبر(ص)، نسبیّه را در حالی که به بهترین نحو می‌جنگید، مشاهده کرده بود، وی جنگید تا آنکه سیزده زخم برداشت (مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۶۹/۱؛ ابن هشام، بی‌تا: ۲/۲-۸۱). به علت همین فداکاری و شجاعت وی بود که پیامبر در مورد وی فرمودند: «مقام نسبیّه برتر از فلان و فلان است» (واقدی، ۱۴۰۹: ۲۶۹/۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۴/۸؛ قمی، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۱).

در جنگ خندق نیز سپاه اسلام، زنان و کودکان را در قلعه‌ها جای دادند و در نیمه‌ی روز از آن‌ها خبرمی‌گرفتند. پیامبر آن‌ها را از حضور در جنگ‌ها منع فرمود و چون اصرار کردند، مقرر فرمود که مسلح باشند، زیرا که از جانب بنی‌قریظه بر آنان احساس خطر می‌کرد (واقدی، ۱۴۰۹: ۴۵۱/۲). بنی‌قریظه تلاش می‌کردند که شبانه به هسته‌ی مرکزی مدینه شبیخون بزنند. پیامبر، اسلم بن حریش اشهلی را همراه دو پسر مرد، و زید بن حارثه را همراه سیصد نفر، برای پاسداری از مدینه اعزام کردند، که تا سپیده دم تکبیر بگویند (همو: ۴۶۰/۲). از جمله زنانی که در این غزوه، به مداوای مجروحان مسلمانان پرداخت، زنی، رفیده نام بود از قبیله‌ی اسلم که در مسجد مدینه خیمه زده بود و خود را برای مداوای مجروحان مسلمانانی که کسی را نداشتند، آماده کرده بود. در این جنگ سعد بن معاذ را که زخمی شده بود، به دستور پیامبر نزد وی بردند (ابن هشام، بی‌تا: ۲۳۹/۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۸۳۸/۴؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ۳۱۷/۷؛ بخاری، ۱۴۰۶: ۲۴۰). در غزوه‌ی بنی‌قریظه نیز تعدادی از زنان، پیامبر را همراهی می‌کردند، از جمله‌ی آن‌ها می‌توان از صفیه، دختر عبدالمطلب، نسبیّه، ام‌سلیط، ام‌العلاء، سمیراء دختر قیس و مادر سعد بن معاذ نام برد که پیامبر به آن‌ها

چیزهایی عطا کردند، در حالی که سهمی برای آنها معین نشده بود. (واقدی، ۱۴۰۹: ۵۲۲/۲) آن چنان که برخی منابع آورده‌اند، در برخی موارد نیز پیامبر(ص) با حضور زنان به منظور کمک‌رسانی در پشت جبهه مخالفت فرمودند. ام‌کبشه، زنی از قضاعه، در یکی از جنگ‌ها می‌خواست به منظور پرستاری و مداوی مجروحان حضور یابد، اما پیامبر موافقت نکردند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۳۸/۸).

در غزوه‌ی حدیبیه نیز که به صلح حدیبیه منجر شد، ام‌سلمه همسر پیامبر، نسبیبه، اسماء و ام‌عامر اشهلی شرکت داشتند (واقدی، ۱۴۰۹: ۷۳۵/۲، ۷۳۷). از مفاد صلحنامه‌ی حدیبیه این بود که هر کس بدون اذن ولی خود به مسلمانان بپیوندد، او را به مکه برگردانند. آن حضرت مردان را مسترد کرد و چون زنان هجرت کردند، حق تعالی با نزول آیات ۱۰ و ۱۱ سوره‌ی ممتحنه، اجازه فرمود که در صورت اطمینان از قطعیت اسلام آنها، ایشان در مدینه بمانند (همو: ۶۳۱/۲).

در غزوه‌ی خیبر که در ماه صفر سال ۷ق، رخ داد، زنان کفار بار دیگر حضور یافتند. آنان آن‌گاه که به آهنگ خیبر برون شدند، دَف می‌زدند و مزمزم می‌نواختند و پوشش‌های رنگین به تن کرده، زیور طلا آویخته و بدین طریق ابراز دلاوری می‌کردند. عروه الصعالبین ورد عبسی از شاعران عرب هم با آنان بود (مسعودی، بی‌تا: ۲۱۳). در این غزوه، چند تن از زنان قبیله‌ی بنی‌غفار نیز نزد پیامبر رفتند و از او اجازه حضور خواستند تا با مداوای زخمی‌ها و سایر کمک‌هایی که از آنان میسر است، لشکر اسلام را یاری کنند، پیامبر نیز پذیرفت (ابن‌هشام، بی‌تا: ۳۴۳) و در پایان از غنائم به آنها سهمی داد (طبری، ۱۳۸۷: ۱۷/۳). مقریزی تعداد این زنان را ۲۰ نفر ذکر کرده است (مقریزی، ۱۴۲۰: ۳۲۱/۱)، که از جمله‌ی آنها می‌توان به ام‌سلمه، صفیه دختر عبدالمطلب، ام‌ایمن، سلمی، نسبیبه، ام‌منیع، ام‌شبات، کعبیه‌بنت‌سعد، ام‌مطاع، ام‌سلیم، ام‌ضحاک، هندبنت‌عمرو، ام‌العلاء انصاری، ام‌عامر اشهلی، ام‌عطیه‌ی انصاری، ام‌سلیط، امیه‌بنت‌قیس غفاری (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۹۳۹/۴، ۱۹۴۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۳۴/۸؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۳۵۴/۶؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۸۰/۸، ۲۹۳، ۳۰۰، ۳۰۸) و ام‌رمثه و ام‌سنان‌اسلمیه (مقریزی، ۱۴۲۰: ۴۱۲/۸) اشاره کرد.

در جنگ حنین نیز که در سال ۸ ق. روی داد، هوازن و ثقیف با زن و فرزند و اموال حضور یافتند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۴۳۷/۲؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۸۸۶/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۷۰/۳؛ یعقوبی، بی‌تا: ۶۲/۲؛ ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹: ۲۶۳/۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۹/۲). مالک‌بن‌عوف‌نصری، که رهبری آنها را به عهده داشت، انگیزه‌ی خود را از همراه آوردن زنان و کودکان این‌گونه بیان می‌کرد که «زنان و کودکان و خواسته‌های هر مرد در پشت سر

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۸۷

وی باشد، تا در پاسداری‌شان جانانه بجنگند» (ابن هشام، بی‌تا: ۴۳۸/۲؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۸۸۷-۸/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۷۱/۳؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۴۶۳/۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۶۱/۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۹/۲).

پس از شکست مشرکان در این جنگ بود که زن و فرزند و چهارپایانی که همراه آورده بودند غنیمتی شد، که خدا به پیامبر خویش عطا فرمود و اموال آن‌ها بین قریشیان نومسلمان تقسیم گردید (طبری، ۱۳۸۷: ۷۰/۳). در این جنگ شش هزار زن و کودک اسیر شدند (ابن هشام، بی‌تا: ۴۸۸/۲؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۲۶۴؛ طبری، ۱۳۸۷: ۸۶/۳). در این غزوه، لشکر اسلام نیز زنانی را همراه داشت، که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به نسیمه، ام‌سلیم، ام‌سلیط و ام‌الحارث اشاره کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۰/۸، ۳۰۸، ۳۱۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۴/۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۳۱۲/۶)، که مقریزی از آن‌ها به عنوان نیروی جنگی در این غزوه یاد می‌کند (۱۴۲۰: ۱۴/۲).

در غزوه‌ی طائف نیز پیامبر بر طبق سنت خویش دو تن از همسران خویش، ام‌سلمه (ابن هشام، بی‌تا: ۴۸۲/۲؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۹۲۶/۳؛ ابن سیدالناس، ۱۴۱۴: ۲۵۰/۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۲/۲) و زینب بنت جحش (واقدی، ۱۴۰۹: ۹۲۶/۳؛ ابن سیدالناس، ۱۴۱۴: ۲۵۰/۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۲/۲) را همراه برد. خویله، دختر حکیم بن امیه همسر عثمان بن مظعون نیز در این غزوه، سپاه اسلام را همراهی می‌کرد (ابن هشام، بی‌تا: ۴۸۴/۲).

نقش و حضور زنان در جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها در دوره‌ی اسلامی، همیشه محدود به حضور در پشت‌جبهه و به منظور پرستاری، سقایی، طباحی و یا حضور به عنوان رزمنده و نیروی جنگی نمی‌شد، بلکه زنان در برخی از جنگ‌ها، گرچه سپاه را همراهی نمی‌کردند، اما به میزان توانائی خویش و از راه‌های دیگر، سپاه را یاری می‌کردند. آن‌گاه که لشکر اسلام برای جنگ تبوک آماده و برای لشکرکشی اعانه جمع‌آوری می‌شد، بسیاری از زنان، دست بندها، خلخال‌ها، گردنبندها و انگشترهایی برای پیامبر فرستادند، تا آن‌ها هم در این امر مشارکت داشته باشند (واقدی، ۱۴۰۹: ۹۲/۳-۹۹۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۴۸/۲).

بر اساس گزارش منابع، در برخی موارد نیز زنان در نقش نامه‌رسان و جاسوس برای یکی از طرفین جنگ ظاهر می‌شدند. چنانچه به هنگام تجهیز سپاه توسط پیامبر به منظور فتح مکه، از آن‌جا که پیامبر مقصد خود را مشخص نکرده بود، یکی از مهاجران به نام حاطب بن ابی‌بلتعه، به قریش نامه نوشت تا آن‌ها را از این جریان، مطلع سازد. در این هنگام زنی با گرفتن مزد بسیار، این نامه را در میان گیسوان خود پنهان کرد، تا آن‌ها را به مکه برساند، اما این زن توسط امام علی(ع) و زبیر بن عوام دستگیر و نامه کشف شد (ابن هشام، بی‌تا: ۹۹/۲-۳۹۸).

پس از فتح مکه، پیامبر آن‌گاه که از بیعت مردان فراغت یافت، با زنان بیعت کرد و گروهی از زنان مکه و از جمله هند، همسر ابوسفیان نزد وی آمدند. وی به سبب رفتاری که در غزوه‌ی احد با حمزه کرده بود، نقابدار و ناشناس حضور یافت (طبری، ۱۳۸۷: ۲/۳-۶۱).

روند حضور زنان در جنگ‌ها، در دوره‌ی خلفاء نیز هم‌چنان ادامه یافت. در جنگ خالد بن ولید با مسیلمه‌ی کذاب و قبیله‌ی یمامه، که ذکر آن گذشت، ام‌تمیم، همسر خالد بن ولید (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۲۸۵/۱) و نسبیبه‌ی انصاری (ابن هشام، بی‌تا: ۴۶۶/۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۹۴۸/۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۰/۸ به بعد؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۳۳۴/۸)، حضور داشتند. در همین جنگ بود که نسبیبه جنگید و مجروح شد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۹۴۹/۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۳۳۴/۸؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۳/۸ به بعد).

در سال یازده هجری مردی به نام اسود عنسی، ادعای پیامبری کرد، گروه بسیاری از غیرمسلمانان و مرتدان را گرد خود جمع نمود و به سرعت بر سراسر یمن چیره شد و شهر بن‌بازان و گروهی از صحابه را کشت. در جریان قیام مردم یمن علیه اسود نیز اصیل‌زادگان ایرانی ناچار از زن شهر بن‌بازان که «آزاد» نام داشت یاری خواستند. برخلاف کوشش مردان و یاری آزاد، دختر عم فیروز، اولین توطئه‌ها با شکست روبرو شد. طبری و دیگر مورخان داستان قیام اسود عنسی و کوشش ایرانیان ساکن یمن را در کشتن او، به تفصیل نقل کرده‌اند (طبری، ۱۳۸۷: ۲۲۸/۳ به بعد؛ آذرنوش، ۱۳۵۴: ۲۷۴).

در فتح شام نیز اعراب با زن و فرزند حضور داشتند (واقعی، بی‌تا: ۱۳۰؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۸۳/۱). نسبیبه‌ی انصاری، اسماء، دختر ابوبکر و نعمانه دختر منذر و افراد دیگر در این جنگ شمشیر کشیدند (واقعی، بی‌تا: ۳۰۰/۲).

در جنگ یرموک به سال ۱۳ ق. نیز زنان قریش، به هنگام ورود رومیان به اردوگاه مسلمانان شمشیر به دست گرفتند و مردانه جنگیدند و خوب امتحان دلیری دادند. ام‌حکیم، دختر حارث بن‌هشام، (طبری، ۱۳۸۷: ۵۷۱/۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۴۱۴/۲) و جویرییه، دختر ابوسفیان که به همراه همسرش حضور یافته بود از جمله‌ی آن‌ها بودند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۰۱/۳).

در زمان خلیفه‌ی دوم، عمر بن خطاب، با گسترش فتوحات در سرزمین‌های همجوار جزیره‌العرب و تداوم لشکرکشی‌ها به سایر مناطق، و به ویژه ایران، زنان هم‌چنان جایگاه و نقش فعال خویش را در جنگ‌ها حفظ کردند.

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۸۹

در نبرد بویب نیز که به سال ۱۳ق روی داد، زنان و فرزندان جنگاورانی که از مدینه آمده بودند، حضورداشتند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۹/۳؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۳۲۰/۱). زنان و فرزندان کسانی که از مدینه آمده بودند در قوادس ماندند و زن و فرزند جنگ‌جویان پیشین نیز در حیره استقرار داشتند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۹/۴). در نبرد قادسیه، سعدبن‌ابی‌وقاص، همراه با زنان و کودکان رهسپار ایران شد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۸۴/۳؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۵۲-۲۵۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۴۷۷/۲؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۵۳۳/۲). سعدبن‌ابی‌وقاص، با چهار هزار نفر جنگاور و زن و فرزند به سوی عراق حرکت کرد، که عمرنیمی از این افراد را به سوی شام فرستاد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۸۴/۳). این تعداد غیر از تعداد افرادی است که از سایر مناطق شبه جزیره راهی عراق شدند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۸۷/۳). از جمله زنان حاضر در قادسیه، از همسر مثنی‌بن‌حارثه نام برده شده، که پس از کشته شدن وی، به عقد سعدبن‌ابی‌وقاص در آمد (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲-۲۵۱). «در این جنگ، هیچ یک از قبایل عرب بیشتر از بجیله و نخع زن همراه نداشتند. نخعیان، هفتصد زن بیوه و بجیله هزار زن بیوه، که اینان به هزار کس از قبایل عرب و آنان به هفتصد کس دیگر ازدواج کردند» (طبری، ۱۳۸۷: ۵۸۱/۳).

این گزارش طبری نشان دهنده‌ی آمار بالای حضور زنان در این جنگ، نسبت به سایر جنگ‌ها و نبردها در این دوره و حتی در عصر نبوت می‌باشد. در غزوه‌ها و جنگ‌های پیامبر، شاهد حضور محدود و محدود زنان در جنگ‌ها بودیم، حال آن‌که در این جنگ‌ها، فقط آمار زنانی که همسران خود را از دست داده بودند، به حدود دو هزار نفر می‌رسید. با توجه به این که زنان، جز افرادی محدود، قطعاً فاقد توانایی لازم برای مبارزه و جنگ‌آوری هستند؛ در نتیجه همراه کردن شمار بالای زن و کودک در این جنگ، بیشتر به مهاجرت‌های دسته جمعی می‌ماند تا لشکرکشی‌های نظامی، از این رو می‌توان احتمال داد که از این زمان، اندیشه‌ی استقرار اعراب در ایران در ذهن سران و حکام عرب شبه‌جزیره شکل گرفته بود و با این هدف و انگیزه به چنین کاری اقدام کردند (دهقان پور، ۱۳۸۸: ۵۲ به بعد) در ادامه‌ی بحث این فرضیه، بیشتر به اثبات خواهد رسید.

وقتی عمر به سعد دستور پیشروی به منظور فتح مداین را داد، به او فرمان داد تا زنان و نان‌خوران را در عتیق واگذارد و گروهی از سپاهیان را برای حفاظت از آن‌ها معین کند و سعد نیز چنان کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۶۱۸/۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۵۰۵/۲). عمر همچنین دستور داد، نیروهایی که حفاظت از زنان و فرزندان را در این ناحیه به عهده می‌گیرند از غنایم سهمی بگیرند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۵۰۵/۲).

پس از فتح مداین، زنان و کودکان مسلمان از عتیق به این ناحیه منتقل شدند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۰/۴؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۵۳۷/۲؛ ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹: ۱/۳۶۰). وقتی سعد در مداین فرود آمد و منزل‌ها را تقسیم کرد، زن و فرزند افراد را بیاورد و در خانه‌هایی که وسایل زندگی داشت، جای داد. این افراد در مداین استقرار یافتند تا مسلمانان از جنگ جلولا، تکریت و موصل فراغت یافتند و آن‌گاه در سال ۱۷ق، که بنیان کوفه گذارده شده، به سوی این شهر رهسپار شدند (طبری، ۱۳۸۷: ۲۱/۴، ۴۰؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۵۳۸/۲؛ ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹: ۱/۳۶۰).

در دو روز اغوا و ارامت، یعنی در روز اول و دوم قادسیه، زنان و کودکان بر تپه‌ها گور می‌کنند (طبری، ۱۳۸۷: ۵۵۰/۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۴۴۷/۲؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۵۳۳/۲) و دو هزار و پانصد تن از جنگ‌آوران قادسیه را به خاک سپردند (طبری، ۵۵۰/۳). در روز عماس، روز سوم جنگ قادسیه نیز، زنان به زخمیان رسیدگی می‌کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۵۰۳/۳؛ ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹: ۱/۳۳۸). ام‌کنیر، همسر همان بن حارث نخعی می‌گوید: «ما با شوهران خود در قادسیه بودیم و چون خبر آمد که جنگ به سر رسید، لباس به خود پیچیدیم و قمقمه‌های آب برگرفتیم و سوی زخمیان رفتیم و هر که از مسلمانان بود به او آب دادیم و از جا بلند کردیم و هر که از مشرکان بود خلاصش کردیم و کودکان نیز به دنبال ما آمدند، که این کار را به آن‌ها سپردیم» (طبری، ۱۳۸۷: ۵۸۱/۳).

از نکات جالب توجه در جنگ‌های اعراب با ایرانیان آن‌که، در این جنگ‌ها نه تنها هیچ گزارشی از حضور زنان ایرانی در دست نیست، بلکه ایرانیان هم‌زمان با جنگ‌ها، زن و فرزند و اموال خویش را نیز به جاهای امن می‌فرستادند (طبری، ۱۳۸۷: ۲۷/۴).

پس از فتح مداین یزدگرد، زن و فرزند را به حلوان فرستاد و هر چه از مال و اموال را که می‌توانست با خود برد (طبری، ۱۳۸۷: ۵۳۷/۲؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۲۶)، خرزاد، نیز در جنگ جلولا، زن و فرزند و اموال را به خانقین فرستاد (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۲۷).

در دوره‌ی عثمان و به سال ۲۷، ۲۸ق، در جنگ با روم و فتح قبرس، عثمان، مردم را برای حضور در این جنگ مخیر کرد. به پیشنهاد معاویه جمعی از صحابه چون ابوذر و ابودرداء و شداد بن اوس و عباده بن صامت و همسرش ام‌حرام، دختر ملحان داوطلب نبرد شدند (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۵۷۶/۲؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۱۸/۶-۳۱۷). ام‌حرام، پس از فتح قبرس در همان‌جا درگذشت (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۱۷/۲؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۲۴۸/۲). قبر وی به اسم قبر «المرأه الصالحه» در قبرس مشهور است (زرکلی، ۱۹۸۰: ۱۷۲/۲).

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۹۱

یکی از صحنه‌های نادر در جنگ‌های تاریخ اسلام، که در زمان خلافت علی(ع) و به سال ۳۶ق، روی داد، حضور عایشه، همسر پیامبر، در رأس و رهبری جنگ جمل و به بهانه‌ی خون‌خواهی عثمان است (طبری، ۱۳۸۷: ۴۵۷/۴؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۴۴۹/۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲۰۵/۳؛ به بعد: دینوری، ۱۳۶۸: ۱۴۴؛ به بعد: مقدسی، بی‌تا: ۲۱۱/۵؛ ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹: ۴۶۸/۱؛ به بعد: ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۶۰۶/۲). علی(ع) در نامه‌ای به عایشه نوشت: «... ادعا می‌کنی به سبب اصلاح کار مسلمانان از خانه بیرون آمده‌ای، خود با من بگوی زنان را با لشکر کشیدن و میان مردان اصلاح کردن چه کار باشد» (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۴۶۵/۲). جاریه‌بن‌قدمه‌ی سعدی نیز به وی گفت: «ای مادر مؤمنان، کشته شدن عثمان سبک‌تر از کار توست که از خانه خویش در آمده‌ای و بر شتر ملعون آماج سلاح شده‌ای، در پرده‌ی حرمت خدا بودی، پرده‌ی خویش دریدی و حرمت خویش ببردی، هر که جنگ ترا روا داند، کشتت را نیز روا داند» (طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۵/۴).

پس از جمل، علی(ع) جماعتی از زنان بصره را گفت تا عمامه ببندند و در پوشش مردان، عایشه را تا مدینه همراهی کنند. این افراد علاوه بر مردانی بودند که با وی همراه شدند (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۴۸۷/۲). تعداد این زنان، چهل نفر گزارش شده و محمدبن ابی‌بکر، برادر عایشه نیز آنان را همراهی می‌کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲۵۸/۳؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۶۰۶/۲).

زنان مسلمان در جنگ‌ها، علاوه بر پرداختن به پرستاری، سقایی، جنگ و...، بعضاً به فعالیت‌هایی برای تحریک مردان سپاه خویش نیز دست می‌زدند. دو مورد از این نمونه‌ها، در جریان جنگ صفین، به سال ۳۶ قمری و در جریان رویارویی امام علی(ع) در مقابل معاویه گزارش شده است. در این جنگ سوده، بنت عماره‌ی همدانی، یکی از شیعیان علی(ع)، برای تهییج برادر خویش و هم‌زمان وی شعر می‌سرود (ابن‌طیفور، بی‌تا: ۳۰) از ام‌الخیر، بنت حریش نیز در این جنگ، به عنوان سخنور صفین یاد شده است. وی با ایراد خطبه، سربازان فراری سپاه امام را به جنگ فرا می‌خواند (ابن‌طیفور، بی‌تا: ۳۶؛ به بعد: قس: جوادی آملی، بی‌تا: ۲۹۷؛ به بعد).

در بین خوارج، حضور زنان به عنوان نیروی جنگی بسیار مرسوم بود. ابومریم خارجی، مولی بنی‌حارث بن‌کعب، نخستین کس بود که زن‌ها را تجهیز و به قیام دعوت کرد. وی دو زن به همراه داشت، به نام‌های قطام و کحیله. ابوبلال آن‌گاه که با اعتراض ابوبلال بن‌ادیبه‌ی خارجی مواجه شد، پاسخ داد که زن‌ها در جنگ‌های پیامبر هم‌کاری می‌کردند و زنان مسلمان در جنگ شام نیز حضور داشتند و سپس آن دو زن را

برگرداند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۳/۳-۴۱۲). ابولباب بن ادیه‌ی خارجی به لشکرکشی و جهاد معتقد نبود و قیام زنان و شرکت آنان با مردم را حرام می‌دانست (همو: ۵۱۸/۳).

غزاله^۵ یکی دیگر از زنان خارجی بود که در لشکرکشی و جنگ‌ها همسرش، شیبب را همراهی می‌کرد (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۶۰/۷-۵۹؛ یعقوبی، بی‌تا: ۲۷۴/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۳۴، ۲۷۱/۶؛ مقدسی، بی‌تا: ۳۳/۶؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۱۹۰/۳؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۲۶۹/۴). در یکی از لشکرکشی‌های شیبب به کوفه، مادرش، جهیزه و همسرش، غزاله به همراه دویست و پنجاه زن دیگر حضور داشتند، در حالی که همه مسلح بودند (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۶۰/۷-۵۹؛ بغدادی، ۱۴۱۱: ۱۲-۱۱۱). در همین جنگ نیز جهیزه و غزاله کشته شدند (ابن خلکان، بی‌تا: ۴۵۵/۲). از جمله هجوهای که برای حجاج گفته‌اند، این که «غزاله با دویست سوار، عراق را به شیون درآورد و سواران غزاله به غارت پرداختند، اسیر گرفتند و خراج بستند» (مقدسی، بی‌تا: ۳۳/۶).

در دوره‌ی اموی نیز حضور زنان در جنگ‌ها، همانطور که بلاذری می‌گوید، بیشتر به همان علت سابق، ادامه یافت. وی می‌گوید: «بنی‌امیه این کار را به خاطر آن انجام می‌دادند که جنگجویان از غیرت بر حرم خود در جنگ به جد باشند» (۱۹۸۸: ۱۶۷).

سنت حضور زنان در جنگ‌های خوارج به عنوان نیروی جنگی هم‌چنان ادامه یافت، چنان که پس از قتل قطری بن فجاءه در طبرستان، پانزده زن و یک پیرزن عرب در محل قتل وی، در حالی که مسلح به شمشیر بودند، مشاهده شدند (طبری، ۱۳۸۷: ۶/۳۰۹).

از نیمه‌ی دوم قرن اول هجری، حضور زنان و کودکان را بیشتر در قالب لشکرکشی‌های بزرگی شاهد هستیم، که بیشتر به مهاجرت‌های بین‌المللی شبیه هستند. در سال ۵۱ ق، ربیع بن زیاد حارثی، که به امارت خراسان رسیده بود، به همراه پنجاه هزار مرد جنگی و خانواده و زن و فرزند، که در میان آن‌ها بریده بن حصیب و ابوبرزه، از صحابه‌ی پیامبر هم حضور داشتند، رهسپار خراسان شد (طبری، ۱۳۸۷: ۲۸۶/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴۸۹/۳). حضور ربیع بن زیاد، به همراه عده‌ی زیادی از زن و فرزند در خراسان را می‌توان از بزرگترین مهاجرت‌های اعراب مسلمان پس از دوره‌ی اسلامی و آغاز فتوحات دانست، که در نیمه‌ی دوم قرن اول هجری روی داد (دهقان پور، ۱۳۸۸: ۹۵ به بعد).

^۵ غزاله، همسر شیبب بن یزید بن نعیم شیبانی حروری، از زنان مشهور به شجاعت و سلحشور بود که در موصل متولد شد و با همسرش بر عبدالملک بن مروان در ایام ولایت حجاج بر عراق خروج کرد (۷۶ق) (زرکلی، اعلام، ۱۱۸/۵).

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۹۳

در قیام و مبارزه‌ی امام حسین(ع) در سال ۶۱ ق، بر ضد بی‌عدالتی‌های دوره‌ی اموی که یکی از صحنه‌های دلخراش تاریخ اسلام و شیعه را رقم زد، زنان و خاندان وی نیز حضور داشتند (طبری، ۱۳۸۷: ۳۴۸/۵؛ ۴۰۰/۵ به بعد؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳۷/۴ به بعد؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۴۴). آنگاه که حسین(ع) از مدینه عازم عراق شد، ابن‌عباس به وی گفت: «اگر می‌روی، زنان و کودکان را نبر، به خدا می‌ترسم چنان کشته شوی که عثمان کشته شد و زنان و فرزندان او را می‌نگریستند» (طبری، ۱۳۸۷: ۳۸۴/۵).

در جنگی که بین امام حسین(ع) و یزیدبن‌ معاویه به سال ۶۱ ق، روی داد، علاوه بر زن و فرزند ایشان، زنان برخی از اصحاب نیز به همراه همسران‌شان حضور داشتند. عبدالله‌بن‌ عمیرکلبی، یکی از ساکنان کوفه به همراه همسرش، ام‌وهب، به امام حسین(ع) پیوست (طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۹/۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۶۵/۴). ام‌وهب می‌خواست در پیکار با دشمنان حسین(ع) شرکت کند، اما امام حسین(ع) با این توجیه که جهاد برای زنان نیامده، او را از رفتن به میدان منصرف کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۳۰/۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۶۵/۴).

در سال ۶۱ ق، که سلم‌بن‌ زیاد، به عنوان حاکم خراسان و سیستان، با چند هزار نیرو به سمت ایران حرکت کرد، همسرش ام‌محمد، دختر عبدالله‌بن‌ عثمان نیز با وی بود. وی نخستین زن عرب بود که از نهر (بلخ) گذشت (بلاذری، ۱۴۱۱: ۳۹۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۷۳/۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۷/۴).

سلم آن‌گاه که به غزای سمرقند می‌رفت، همسر خویش را نیز همراه برد و در آن‌جا پسری به دنیا آورد، که او را صغدی نام نهاد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۷۳/۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۷/۴). آن‌طور که منابع آورده‌اند، ام‌محمد، با همسر فرمانروای سغد روابطی دوستانه برقرار کرد و برای جشن زایمان خویش، تاج وی را به عاریت گرفت و باز پس نداد و چون بازگشتند آن را با خویش همراه برد (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۹۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۷۴/۵).

حضور زنان در جنگ‌ها، تا پایان دوره‌ی مورد بحث، یعنی ۱۳۲ ق، هم‌چنان ادامه یافت. سوره بن‌حرمیمی، عامل سمرقند، که در ۱۱۲ ق به جنگ ترکان رفت، زن و فرزند خود را نیز همراه برد و پس از کشته شدن وی در جنگ، جنیدبن‌ عبدالرحمان، والی خراسان، آن‌ها را به مرو فرستاد (طبری، ۱۳۸۷: ۷۹/۷-۷۸). در جنگ جنید با خاقان ترک نیز، جنید دستور داد تا زن و فرزند را همراه بردارند (همو: ۸۲/۷).

در سال ۹۰ ق، قتیبه به فتح بخارا رفت و از ترکان شکست خورد. طبری در جریان گزارش این جنگ، از حضور زنان در اردوگاه قتیبه خبر می‌دهد (۱۳۸۷: ۴۴۶/۶). به سال ۹۶ ق، نیز که قتیبه به غزای کاشغر رفت، زن و فرزند و کسان را همراه برد. وی این کار را به علت ترس از سلیمان‌بن‌ عبدالملک انجام داد و خانواده‌ی خویش را در سمرقند جای داد (طبری، ۱۳۸۷: ۵۰۰/۶).

در سال ۱۳۳۲ق، که بیست هزار رومی به ملطیه^۶ تاختند، اهل شهر دروازه‌ها را بستند و زنان عمامه‌ها به سر نهاده، بر برج‌ها فراز شدند و به جنگ پرداختند (بلادری، ۱۹۸۸: ۱۸۶). آنطور که بلاذری روایت می‌کند، حضور زنان در جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها به همراه مردان در دوره‌ی بعد، یعنی در دوره‌ی عباسیان نیز، همچنان تداوم داشت. مسلم‌بن عبدالملک، در جنگ عموریه زنانش را همراه برد و جمعی با وی بودند نیز چنین کردند (همو: ۱۶۷).

نتیجه‌گیری

در مورد نقش و حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی اسلام و به ویژه جهاد باید گفت، زن در این عرصه، موجودی منفی یا مهره‌ای متروک و مطرود نبوده، بلکه از آغاز بعثت پیامبر، دوشادوش مردان در صحنه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و... حضور داشته و نقش مؤثر و مثبتی ایفاء نموده است. زن مسلمان در صدراسلام، برای دفاع از اسلام، شکنجه‌ها را به جان خرید و برای حفظ عقیده‌ی خویش، جلای وطن کرد و در میدان جنگ و جهاد نیز نه تنها پایه‌پای مردان حضور یافت، بلکه به گاه ضرورت شمشیر کشید و دلاورانه جنگید. مشارکت دادن زنان در جنگ‌ها با اهداف و انگیزه‌های مختلف انجام می‌گرفت. در سپاه اسلام، زنان به منظور انجام کارهای پشت جبهه هم‌چون آب‌رسانی، آشپزی، مداوای زخمیان و... حضور می‌یافتند، با این‌همه به مواردی از حضور آنان در جنگ‌ها، در مقام رزمنده نیز اشاره شده است. مشرکان، به منظور تحریک غیرت و شجاعت جنگجویان خویش، زنان را در پشت سر سپاه قرار می‌دادند، زیرا نگرانی از اسارت زنان مسئله‌ای کاملاً جدی بود. در مواردی نیز از زنان به عنوان سپاهی لشکر و برای فریب سپاه مقابل استفاده می‌کردند. زنان در جنگ‌ها، گاه نیز با خواندن شعر و ایقاع دف مردان را تحریک می‌کردند. در جنگ‌های صدر اسلام، گاه ملاحظه می‌کنیم که محدود آنان با کمک مالی و در بعضی موارد، جاسوسی برای یکی از طرفین جنگ، در این امر مشارکت می‌کردند. روند حضور زنان در سه دوره‌ی عصر نبوت، دوره‌ی خلفای راشدین و دوره‌ی امویان در هر دو سپاه اسلام و

^۶ ملطیه‌ای شهری است در مرز بین جزیره و شام. این شهر را اسکندر مقدونی تأسیس کرد و مسجد جامع آن را صحابه و تابعان بنا کردند (یاقوت حموی، معجم‌البلدان، ۱۹۲۵/۵؛ هروی، علی‌بن‌ابوبکر، الاشارات الی معرفه زیارات، ۵۶) این ناحیه را حبیب‌بن‌مسلمه فتح کرد و سپس بار دیگر و زمانی که معاویه به ولایت شام و جزیره رسید، حبیب‌بن‌مسلمه را فرستاد و او دیگر بار این ناحیه را به عنوه فتح کرد و مسلمانانی را به همراه عامل شهر در آنجا گماشت (بلادری، فتوح، ۱۸۵؛ حمیری، الروض المعطار، ۵۴۵).

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۹۵

کفر تداوم داشت. با این تفاوت که انگیزه‌ها و نحوه‌ی حضور و آنان در این جنگ‌ها، در این سه دوره و در دو سپاه متفاوت بود.

منابع

قرآن

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۵۴) راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان تازی (پیش از اسلام)، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن‌ابی‌الحدید (۱۳۷۸/۱۹۵۹ م) شرح نهج البلاغه، دار إحياء الكتب العربية، عيسى‌البابی الحلبي و شركاءه.
- ابن اثير، علي بن ابي الكرم (۱۳۸۵/۱۹۶۵) الكامل في التاريخ، بيروت، دارصادر- دار بيروت.
- (۱۴۰۹/۱۹۸۹) اسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت، دارالفكر.
- ابن حبان (۱۳۹۳) الثقات، حيدر آباد دكن، مؤسسه الكتب الهند.
- ابن حجر عسقلاني (بی تا) فتح الباری، بيروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر.
- (۱۴۰۴/۱۹۸۴) تهذيب التهذيب، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- (۱۴۱۵/۱۹۹۵) الاصابه في تمييز الصحابه، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و على موحد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، ط الاولى.
- ابن حنبل، احمد (بی تا) مسند احمد، بيروت، دارصادر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸/۱۹۸۸) العبر (تاريخ)، تحقيق خليل شحاده، بيروت، دارالفكر، ط. الثانيه.
- ابن خلكان (بی تا) وفيات الاعيان و ابناء ابناء الزمان، تحقيق: احسان عباس، لبنان، دارالثقافه.
- ابن اعثم، احمد (۱۴۱۱/۱۹۹۱) الفتوح، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالاضواء، ط. الاولى.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰/۱۹۹۰) طبقات الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلميه، ط. الاولى.
- ابن سيد الناس (۱۴۱۴/۱۹۹۳) عيون الأثر في فنون لمغازى و الاثر، تعليق ابراهيم محمد رمضان، بيروت، دارالقلم، ط. الاولى.
- ابن طيفور (بی تا) بلاغات النساء، قم، مكتبه بصيرتى.
- ابن عبدالبر. يوسف بن عمر (۱۴۱۲/۱۹۹۲) استيعاب في معرفة الأصحاب، تحقيق على محمد البجاوى، بيروت، دارالجيل، ط. الأولى.
- ابن ماكولا (بی تا) اكمال الكمال، دارإحياء التراث العربى.
- ابن مسكويه، ابوعلی (۱۳۷۹) تجارب الامم، تحقيق ابوالقاسم امامى، تهران، سروش، ط. الثانيه.
- ابن هشام، عبدالملك (بی تا) سيره النبويه، تحقيق مصطفى السقا و ابراهيم الأبيارى و عبدالحفيظ شلى، بيروت، دارالمعرفه.
- العيني (بی تا)، عمده القارى، بيروت، دارإحياء التراث العربى.
- بخارى (۱۴۰۶/۱۹۸۶) ادب المفرد، بيروت، مؤسسه الكتب الثقافه.
- بغدادى، عبدالقاهر (۱۴۱۱/۱۹۹۰) الفرق بين الفرق، تحقيق محمد محى الدين عبدالحميد، بيروت، مكتبة العصرية.
- بلاذرى، احمد بن يحيى (۱۹۸۸) فتوح البلدان، بيروت، دار و مكتبه الهلال.

- ،----- (۱۴۱۷) انساب الاشراف، تحقیق محمد حمید الله، بیروت، دارالفکر، ط. الأولى.
- تستری، شیخ محمد تقی (۱۴۱۹) قاموس الرجال، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
- ثعلبی (۲۰۰۰/۱۴۲۲) تفسیر ثعلبی، تحقیق امام ابی محمد بن عاشور، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (بی تا) زن در آیین‌های جلال و جمال، قم، دارالهدی.
- حمیری، محمد بن عبدالمنعم (۱۹۸۴) الروض المعطار فی اخبار الاقطار، بیروت، مکتبه لبنان.
- خرگوشی، واعظ (۱۳۶۱) شرف النبی، تحقیق محمد روشن، تهران، بابک.
- دهقان پور، زهره (۱۳۸۸) «مهاجرت قبایل عرب به ایران و پیامدهای آن تا پایان دوره‌ی اموی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، رشته‌ی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸) اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳/۱۹۹۳) تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ط. الثانية.
- ،----- (۱۹۹۲/۱۴۱۳)، الکاشف فی معرفه من له روایة فی کتب سنه، جده، دارالقبلة للثقافة الاسلامیه، مؤسسه علوم القرآن.
- ،----- (۱۹۹۳/۱۴۱۳)، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۰)، اعلام، بیروت، دارالعلم للملایین.
- سرخسی (۱۹۶۰) شرح السیر الکبیر، تحقیق: الدكتور صلاح الدین المنجد، مطبعة مصر.
- سید پروجرودی (۱۳۹۹)، جامع احادیث شیعه، قم، المطبعة العلمیه.
- سید رضی (۱۳۸۱) نهج البلاغه، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران، صائب.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۰)، إسعاف المبطل، تحقیق موفق فوزی جبر، بیروت، دارالهجره للطباعة والنشر و التوزیع.
- صفدی (۲۰۰۰/۱۴۲۰) الوفی بالوفیات، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، داراحیاء التراث.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷/۱۹۶۷) تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ط. الثانية.
- ،----- (۱۳۷۵)، ترجمه: ابوالقاسم پابنده، تهران، اساطیر، چ پنجم.
- علاسوند، فریبا (۱۳۸۵) زن در سیره‌ی پیامبر اعظم، تهران، آخرین پیام.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴) تفسیر قمی، تصحیح و تعلیق و تقدیم: السید طیب الموسوی الجزائری، قم، مؤسسه دارالکتب للطباعة والنشر.
- محقق حلی (۱۳۶۴) المعتمر، تحقیق و تصحیح: عده من الافاضل، قم، مؤسسه سیدالشهداء.
- مسعودی، علی بن حسین (بی تا)، تنبیه و الاشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دارالصاوی، (افست قم: مؤسسه نشر منابع الثقافة الاسلامیه).
- مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا)، البدأ و التاريخ، بورسعيد، مکتبة الثقافة الدينية.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۹۹۹/۱۴۲۰) إمتاع الاسماع، تحقیق و تعلیق: محمد عبدالحمید النمیس، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط. الأولى.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹/۱۹۸۹) مغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ط. الثالثة.

زنان در کشاکش نبرد: حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره‌ی اموی ۹۷

----- (بی تا) فتوح الشام، بیروت، دارالجمیل.

هروی، علی بن ابوبکر (۱۴۲۳) الاشارات الی معرفة الزیارات، قاهره، مکتبة الثقافة الدینیة.

یاقوت حموی (۱۹۹۵) معجم البلدان، بیروت، دارصادر.

یعقوبی، ابن واضح (بی تا) تاریخ، بیروت، دارصادر.